

واصبه بسین مصافح الیه

من = نهاد محذوف ← **به نام خداوند جان و خرد** → فعل محذوف = شروع می‌کنم

حرف اضافه مصف بر هتمم واصبه بسین مصف

گزین برتر اندیشه بر نگذرد ← او = نهاد محذوف

ربط اضافه حرف هشتم فعل ← مضارع اخباری منفی، سوم شخص مفرد

قلمرو فکری

با نام خداوند، آفرینگار جان و مال و فکر و خرد شروع می‌کنم که اندیشه‌ای بالاتر از این

در ذهن انسان نمی‌آید.

قلمرو ادبی

۱- مراعات نظیر = اندیشه، جان، خرد ۲- تخفیف = گزین ۳- واج آرایی = ز، الف، ن

قلمرو زبانی

۱- قافیه = خرد، برنگذرد ۲- حروف قافیه = رد ۳- تعداد جمله = ۲ جمله

مصافح الیه واصبه بسین

خداوند نام و خداوند جای ← او = نهاد محذوف

مضارع اخباری سوم شخص مفرد

واو عطف مصف

واصبه بسین صفت ماضی مرفوع

خداوند روزی ده رهنمای

فعل اسنادی محذوف = می‌باشد

مصنف

قلمرو فکری

به نام خداوندی آغاز می‌کنم که صاحب نام و مکان ما است و خودش کسی است که راهنمای ما

برای انجام کارهای خوب است و همچنین روزی دهنده ما نیز هست.

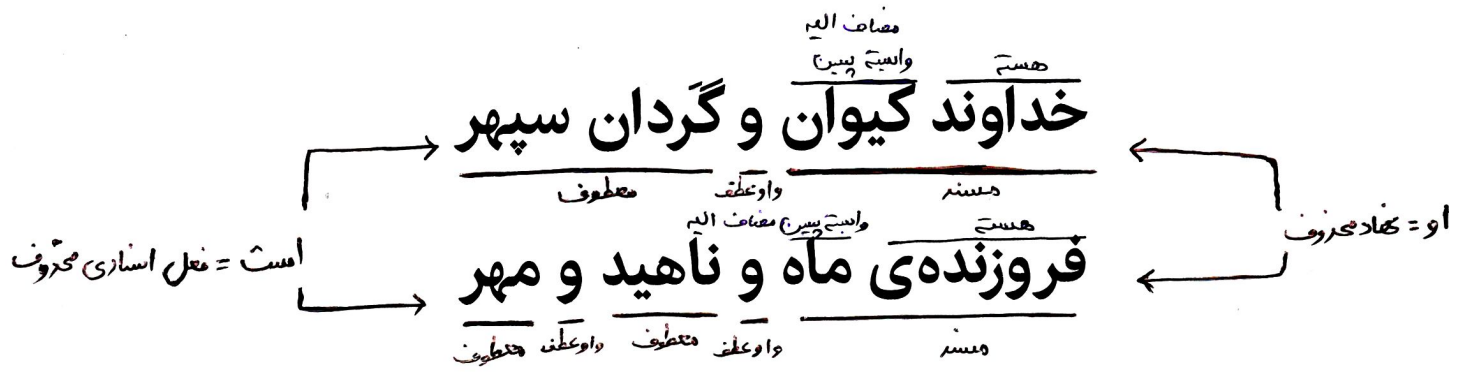
قلمرو ادبی

۱- تخفیف = رهنما ۲- مراعات نظیر = خداوند، روزی دهنده، رهنمای ۳- واج آرایی = ح، الف، ن، د

۴- تلمیح = آیه ۳۷ سوره آل عمران ۵- تضاد معنوی = نام، جای ۶- تکرار = خداوند

قلمرو زبانی

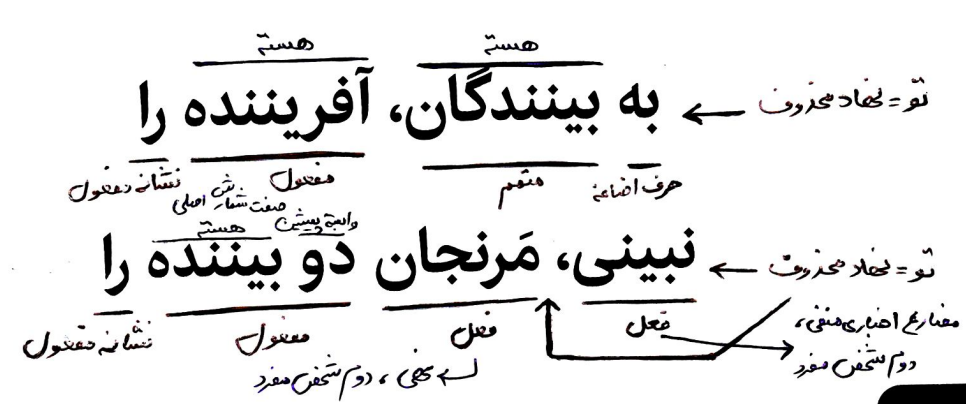
۱- قافیه = جای، رهنمای ۲- حروف قافیه = ای ۳- تعداد جمله = ۲ جمله



قلمرو فکری به نام خداوندی شروع می‌کنم که کیوان و آسمان و ملک را آفریده ماه و ناهید و خورشید را روشنایی بخشیده است.

قلمرو ادبی ۱- مراعات نظیر = ماه، ناهید، مهر / کیوان، گردان سپهر ۲- واج آرای = ه، الف، ن

قلمرو زبانی ۱- قاصد = سپهر، مهر ۲- حروف قاصد = هر ۳- تعداد جمله = ۲ جمله



قلمرو فکری تو با چشمانت نمی‌توانی خدا را ببینی، پس برای همین، چشمانت را رنج ده.

قلمرو ادبی ۱- تکرار = را ۲- واج آرای = ن، الف، ب ۳- استعاق = بیننده، نبینی ۴- تلمیح = هم ۳ اما سوره انعام

قلمرو زبانی ۱- قاصد = آفریننده، نبینه ۲- حروف قاصد = بینده ۳- تعداد جمله = ۳ جمله



مصارع اضافی منفی،
سوم شخص مفرد

نیاید بدو نیز، اندیشه راه
فعل مرکب حرف اضافه قسم قید کناد
هسته هسته هسته

که او برتر از نام و از جایگاه
حرف ربط کناد مسند حرف مفعول واو
اضافه مفعول

→ است = فعل اسنادی معروف

قلمرو فکری

انسان با فکر و اندیشه می‌تواند ذات پروردگاری را که از نام و مکان برتر است،

درک کند.

قلمرو ادبی

۱- تکرار = از ۲- تناسب = جایگاه، برتر ۳- واج آرایی ۴- تخفیف = بدو ۵- کنایه = راه یافتن اندیشه درک نکردن

قلمرو زبانی

۱- قافیہ = راه، جایگاه ۲- حروف قافیہ = اه ۳- تعداد جمله = ۲ جمله

ستودن نداند کس او را چو هست

فعل مضارع التثانی، سوم شخص مفرد
مفعول نشانی مفعول کناد
مضارع التثانی وایسته توجیه
فعل
فعل اسنادی ← مصارع اضافی، سوم شخص مفرد

میان بندگی را بپایدت بست

مفعول نشانی
مفعول کناد
فعل مرکب ← ماضی ساده، سوم شخص مفرد

قلمرو فکری

کسی نمی‌تواند آنلود که شناسیده است خداوند را ستایش کند، پس فقط باید آماده بندگی و

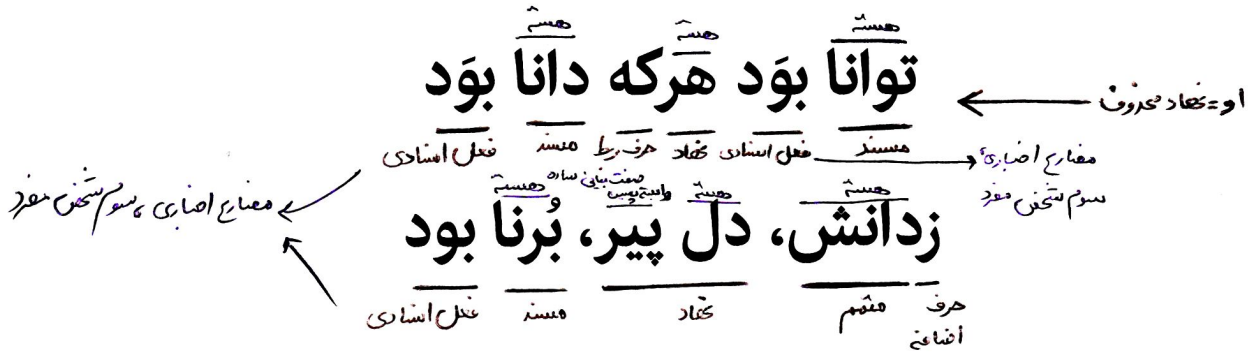
عبارت او نشوی.

قلمرو ادبی

۱- جناس ناقص اختلافی = هست، بست ۲- تناسب = ستودن، بندگی ۳- تکرار = را ۴- تخفیف = چو

قلمرو زبانی

۱- قافیہ = هست، بست ۲- حروف قافیہ = ست ۳- تعداد جمله = ۳ جمله



قلمرو فکری

هرکسی دانا باشد ، از لحاظ ذهن و فکر و عقل تواناست و از دانش و علم ،

دل های پیر مردم جوان و سرزنده می ماند .

قلمرو ادبی

۱- تکرار = بود ۲- مراعات نظیر = توانا، دانا، برنا ۳- تخفیف = ز ۴- بار بار دوس ۵- تضاد = پیر، برنا

۶- استعاره = دانا، داس

قلمرو زبانی

۱- قافیه = دانا، برنا ۲- حروف قافیه = نا ۳- ردیف = بود ۴- تعداد جمله = ۳ جمله